

گزارش میزگرد "روابط ایران و روسیه: تاریخ و دوران معاصر"

در تاریخ ۲ دی ماه ۱۳۸۷ میزگرد "روابط ایران و روسیه: تاریخ و دوران معاصر" در بخش ایران مؤسسه شرق شناسی آکادمی علوم روسیه برگزار شد. این همایش با حضور ایران شناسان مسکو و دانشجویان دوره فوق لیسانس دانشگاه تهران در رشته روسیه شناسی و خوش آمدگویی خانم نینا مامدووا رئیس بخش ایران شناسی افتتاح گردید. اولین سخنران میزگرد آقای ابراهیمی رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو در سخنرانی خود اظهار داشت:

روابط فرهنگی ایران و فدراسیون روسیه، دارای قدمتی چهارصد ساله است که با وجود فراز و فرودهایی در تاریخ روابط سیاسی دو کشور، همواره وجود داشته و رو به گسترش می باشد. موافقتنامه فرهنگی میان ایران و روسیه که در سال ۱۹۶۵ به امضاء رسید، هم اکنون نیز پایه قانونی مناسبی برای فعالیت های فرهنگی دو کشور است. دیپلماسی در واقع فن مدیریت تعامل با جهان از سوی دولت ها می باشد که ابزارها و مکانیسم های متعددی برای اعمال آن وجود دارد. ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی سه حوزه سنتی بنیادین کلاسیک در عرصه بین المللی است که سیاست خارجی کشورها در آنها اعمال می شود. با این حال به باور بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران عرصه بین المللی به طور عام و بعد از پایان جنگ سرد به طور خاص، فرهنگ و مولفه های فرهنگی رکن چهارم سیاست خارجی را تشکیل می دهد که در بسیاری از مواقع لایه های زیرین سه حوزه دیگر نیز از آن منبعت می گردد.

ایشان سپس هدف از دیپلماسی فرهنگی را ارائه دیدگاه روشن و موجه نسبت به فرهنگ ارزشی و رفتاری نظام برای بازیگران مختلف عرصه بین الملل شامل: دولت ها، سازمان های بین المللی و غیر دولتی، نهادهای جوامع مدنی و افکار عمومی دانست. همچنین

وی زبان فرهنگ را زبان ملایمی خواند که می‌تواند روابط رسمی را همراه با تفاهم همچنان زنده نگه دارد.

آقای ابراهیمی مبانی دیپلماسی فرهنگی را در یک دیدگاه کلی را به شرح زیر

برشمرد:

۱. شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مبدا؛
۲. شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مقصد؛
۳. شناخت فرهنگ؛
۴. افکار عمومی؛
۵. وجه به دیپلماسی نوین (بازیگران غیردولتی و بین دولتی و اهمیت تکنولوژی و ارتباطات).

دومین سخنران میزگرد **آقای دکتر جهانگیر کرمی** استاد دانشکده مطالعات جهان

دانشگاه تهران در سخنان خود بیان داشت:

روابط سیاسی ایران و روسیه از قرن شانزدهم آغاز شد و از ابتدای قرن نوزدهم و پس از جنگ‌های قفقاز (۱۸۰۴-۱۸۲۸) روابط طبیعی دو کشور نقض گردید؛ اما بعد از سال ۱۹۹۱ روابط دو کشور به سوی وضعیت متوازن و منطقی حرکت نمود. وضعیت جدید ژئوپلیتیک و تجربه حدود بیست سال همکاری دو کشور شرایط جدیدی را به وجود آورد که آنها همکاری خود را بر اساس ابتکارات و منافع متقابل، نه بخاطر نگرانی روابط با دیگر کشورها، پی‌ریزی کنند. عواملی که در این رابطه دخیل هستند عبارتند از: عامل ژئوپلیتیک، تجربه همکاری بیست ساله، اراده برای شناخت متقابل مستقیم و نزدیک.

روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۸۰۴ تا ۱۹۹۱ به دلیل اینکه همسایگی آنها در نتیجه عملیات نظامی بود با بعد از آن که روسیه به مرزهای قرن هیجدهم خود بازگشت تفاوت دارد، زیرا در مورد اول هر یک از دو طرف با جذب نیروهای ثالث، تلاش می‌کرد تا تراز ویژه‌ای در روابط ایجاد نماید اما از سال ۱۹۹۱ ژئوپلیتیک جدیدی تحت عنوان مناطق حائل بوجود آمد و این وضعیت زمینه اصلی همکاری دو کشور گردید و طرفین در زمینه‌های اقتصادی، فنی، دفاعی و فرهنگی دوجانبه و منطقه‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند.

در دوره اول (۱۹۹۱-۱۸۰۴) کتاب‌هایی که در مورد روسیه در ایران به چاپ رسید، روس‌ها را کافرانی که اصرار بر جنگ با مسلمانان دارند و روسیه را به عنوان مهد کمونیسم و دشمن بی‌رحم ثبات، آرامش و اعتقادات مردم معرفی و در واقع تفکرات روس‌گریزی را که در غرب (آمریکا و اروپا) حکم‌فرما می‌باشد، ترویج و به خواننده ایرانی منتقل می‌کرد. اما در بیست سال گذشته سازمان‌های مختلف علمی و تحقیقاتی در ایران به طور جدی در زمینه مطالعه واقعی روسیه و درک مستقیم آن کشور (نه از طریق ترجمه‌های منابع غربی) فعالیت می‌نمایند.

هر دو کشور در این فضا می‌توانند بر اساس منافع متقابل عمل نموده و در چارچوب موازین بین‌المللی همکاری و برنامه ریزی نمایند. در حال حاضر نیروهای ثالث نمی‌توانند در فضای جدید اراده خود را تحمیل نموده و به نزدیکی یا دوری دو کشور مساعدت کنند. لذا می‌توان با قاطعیت اعلام نمود که روابط معاصر دو کشور بر پایه نهادهای کاملاً جدیدی استوار گردیده و این بدان مفهوم است که روابط ما در آینده بر روابط با کشورهای ثالث برتری خواهند داشت.

سومین سخنران میزگرد آقای سرگئی دروژیلوفسکی استاد مؤسسه دولتی روابط بین‌الملل مسکو در سخنان خود حل مساله ایران و افغانستان را بدون مشارکت ایران و روسیه و تلاش از طریق نظامی را بیهوده دانست و افزود: صلح در افغانستان مورد نیاز کشورهای همسایه است؛ سازمان ملل متحد بایستی تصمیمی اتخاذ نماید که بر اساس آن کشورهای همسایه به حل مشکل افغانستان کمک کنند. سازمان‌های فعال تروریستی در افغانستان، تمامیت ارضی ایران و روسیه را تهدید می‌کنند. از طرفی ایران و روسیه با گسترش مواد مخدر مبارزه می‌کنند. تجزیه افغانستان به بلوچستان و پشتونستان تمامیت ارضی ایران و روسیه را تهدید می‌کند. اما متأسفانه هماهنگی ایران و روسیه در حل مسئله افغانستان کافی نیست. ایران و روسیه مخالف دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای در حل مشکلات منطقه هستند و روسیه در حال حاضر مسئله خروج نیروهای ناتو از افغانستان را مطرح نمی‌کند اما اعلام کرد که نیروهای روسی در افغانستان حضور نخواهند داشت.

چهارمین سخنران میزگرد آقای ولادیمیر ساژین استاد مؤسسه شرق شناسی آکادمی علوم روسیه، حضور نیروهای ناتو در افغانستان را نیروهای حافظ صلح تعبیر کرد که با اجازه سازمان ملل متحد عمل می‌کنند و اظهار داشت که برخی می‌گویند که نیروهای

مشخصی از طرف ایران نیز از طالبان حمایت می‌کنند و ایران بر اساس شرایط خود علاقمند به تامین امنیت در افغانستان است. ایشان همچنین تشکیل اوپک گازی را ایده‌ای نو و سیاسی دانست و افزود تشکیل اوپک گازی امکان پذیر نمی‌باشد و با ارائه آماری از میزان مصرف گاز در جهان، روسیه را یکی از بزرگترین کشورهای صادر کننده گاز معرفی کرد و سهم ایران در صدور گاز را ناچیز خواند. همچنین وی افزود، اکنون وضعیت قراردادهای گاز به هم خورده و شاید بعد از ۲۰-۱۵ سال دیگر بتوان اوپک گازی را تشکیل داد. از طرفی نظر روسیه بر همکاری کشورهای صادر کننده گاز است نه ایجاد کارتل خرید و فروش گاز و تنها ایران است که از اصطلاح اوپک گازی استفاده می‌کند.

پنجمین سخنران میزگرد آقای حسن اشرفی دانشجوی رشته مطالعات روسیه دانشگاه تهران در سخنان خود در خصوص اوپک گازی اظهار داشت:

در دومی کشور روسیه از ایده تاسیس اوپک گازی حمایت کردند ولی در ساختار حکومتی روسیه با تشکیل این کارتل مخالف بودند. سیاست گازی اتحادیه اروپا زمینه تاسیس اوپک گازی را فراهم نمود. اتحادیه اروپا سعی دارد تا در بین کشورهای صادر کننده گاز نفاق بیاندازد تا بتواند به نازلترین قیمت، گاز را خریداری نماید. ایشان مزیای تاسیس اوپک گازی را این گونه برشمرد:

- خارج کردن حربه فشار از دست اتحادیه اروپا؛
- ایجاد یک چالش واقعی در برابر غرب؛
- منافع اقتصادی و سیاسی برای ایران و روسیه؛
- عدم وجود گزینه دیگری برای تامین گاز اتحادیه اروپا؛
- منفعت اقتصادی ایران با افزایش درآمدهای صادراتی؛
- منفعت سیاسی با ایجاد جبهه متحد در برابر غرب؛
- امکان استفاده ایران از ظرفیت روسیه در شورای امنیت و استفاده روسیه از ظرفیت ایران در خاورمیانه و خلیج فارس.

ششمین سخنران میزگرد خانم زینب نجفی دانشجوی رشته مطالعات روسیه دانشگاه تهران در سخنان خود در خصوص همکاری ایران و روسیه در زمینه انرژی گفت:

با توجه به این مطلب که ایران شریک مهم روسیه است و هر دو کشور عامل مهم تحکیم امنیت در منطقه و جهان می‌باشند، آنها در زمینه‌های مختلف انرژی (نفت، برق و

انرژی هسته‌ای) ذوب آهن، صنایع شیمیایی و حمل و نقل با یکدیگر همکاری کرده و تبادل کالای دو کشور در سال ۲۰۰۷، ۳ میلیارد دلار بوده است. از طرفی شرکت‌های گاز پروم، تات نفت و لوک اوپل در زمینه اکتشاف و استخراج نفت با ایران همکاری می‌کنند.

هفتمین سخنران میزگرد خانم **لودمیلا کولاگینا** استاد مؤسسه شرق شناسی

آکادمی علوم روسیه در سخنان خود در خصوص انرژی اظهار داشت:

روابط ایران و روسیه در هشت سال گذشته نشان می‌دهد که دو کشور همکاری موثری در زمینه انرژی با یکدیگر دارند. دانشمندان و سیاستمداران آمریکا و اسرائیل روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی را از موضوعات مهم مطالعات خود می‌دانند. توجه دانشمندان آمریکا و اسرائیل بر روی برنامه هسته‌ای ایران متمرکز گردیده است. در چند سال گذشته نفوذ و تاثیر ایران در خاورمیانه افزایش یافته است. کشورهای عرب از جمله مصر و سوریه نیز خواهان گسترش روابط با روسیه در زمینه انرژی می‌باشند. از طرفی عربستان سعودی با شک و تردید به روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی هسته‌ای نگاه می‌کند. در سال ۲۰۰۲ مخالفین ایران نکات مشخصی از برنامه هسته‌ای ایران را فاش کردند. روسیه سعی کرد تا سازمان بین‌المللی انرژی اتمی را متقاعد نماید که برنامه هسته‌ای ایران حالت صلح آمیز دارد. ایران نیز با بازگرداندن زباله‌های سوخت به روسیه و بازآوری آن در روسیه سعی دارد تا حالت صلح آمیز بودن برنامه خود را نشان دهد. از طرفی برنامه هسته‌ای ایران تبدیل به یک ایده سیاسی و عامل انسجام مردم پیرامون رهبر کشور شده است. روسیه از نزدیکی ایران با غرب وحشت داشت و می‌ترسید که ایران با ذخایر نفت و فناوری‌های هسته‌ای خود آمریکا را به روسیه ترجیح دهد. مدیریت ایران با اقدامات خود، حاکمین روسیه را آرام کرد و این کار صورت نگرفت. سیاست انعطاف ناپذیر ایران باعث ایجاد مشکل در روابط روسیه و غرب شده است. ایران اعلام کرده است که توسعه برنامه هسته‌ای بدون غنی سازی امکان پذیر نمی‌باشد. روسیه اعلام کرد که در صورت حمله آمریکا به ایران موضع بی‌طرفانه‌ای خواهد داشت.

هشتمین سخنران میزگرد **آقای نیکیتا فیلین** دانشجوی دوره دکتری دانشگاه

دولتی علوم انسانی روسیه در سخنان خود در خصوص مسائل امنیتی بیان داشت:

عملیات تروریستی امنیت ایران و روسیه را تهدید می‌نمایند. در سال ۲۰۰۶ تعداد

۱۱۲ عملیات تروریستی و در سال ۲۰۰۷ تعداد ۴۸ عملیات تروریستی در روسیه اتفاق افتاد.

در ایران نیز گروه‌های نژادی و تروریستی عملیات تروریستی را انجام می‌دهند. در سال ۲۰۰۸ سه عملیات تروریستی در ایران انجام گرفت: در عملیات ۱۲ آوریل در شیراز ۱۴ نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی شدند؛ در ۱۲ ژوئن انفجار ماشین حامل نیروهای سپاه پاسداران و در بهار سال ۲۰۰۸ نیروهای جندالله تعداد ۱۶ نفر را در سیستان و بلوچستان به گروگان گرفتند. وی چنین نتیجه‌گیری کرد که سرویس‌های اطلاعاتی خارجی از نیروهای تروریستی حمایت می‌کنند و افزود که سرویس اطلاعاتی آمریکا از جندالله و سرویس اطلاعاتی انگلستان نیز از نیروهای تروریستی سیستان و بلوچستان حمایت می‌کنند.

نهمین سخنران میزگرد آقای سعید صیفی دانشجوی رشته مطالعات روسیه دانشگاه تهران در سخنان خود تحت عنوان " منافع کلی و نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در زمینه امنیت قفقاز " گفت:

قفقاز بطور بالقوه می‌تواند صحنه رقابت کشورهای منطقه‌ای با حضور ابرقدرت‌ها گردد. تنوع قومی این منطقه، مناقشات حل نشده مرزی جمهوری آذربایجان و ارمنستان در قره باغ و مناقشات اوستیای جنوبی و آبخازیا وضعیت این منطقه را مشکل‌تر می‌کنند. قفقاز تنها راه حمل و نقل نفت و گاز به اروپا می‌باشد که از کنار ایران و روسیه می‌گذرد. ناتو، مخصوصاً آمریکا از طریق قفقاز می‌تواند به منطقه نفوذ کرده و بر ایران و روسیه فشار وارد آورد. ایران و روسیه از نظر اقتصادی و نظامی قدرتمندترین کشورهای منطقه بوده و هر دو کشور می‌توانند با بکارگیری ظرفیت‌های عظیم سنتی خود نیروهای موجود در منطقه را منسجم نموده و در این مسئله نقش کلیدی ایفاء نمایند. از طرفی گسترش ناتو به شرق پیامدهای بسیار منفی برای ایران و روسیه دارد.

ارمنستان در میان کشورهای قفقاز روابط تنگاتنگی با روسیه و ایران دارد. آذربایجان دارای ذخایر غنی طبیعی، مخصوصاً نفت و گاز که در سواحل دریای خزر واقع شده‌اند، می‌باشد. آذربایجان حلقه اتصالی کریدور حمل و نقل شمال و جنوب بوده و زمینه‌های همکاری بسیاری با ایران و روسیه دارد. مشارکت فعال ایران و روسیه در اقتصاد آذربایجان باعث خواهد شد تا این کشور اهمیت بیشتری به منافع کشورهای همسایه بدهد. بخش ریلی کریدور حمل و نقل شمال - جنوب که حوزه کلی اقتصاد ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان می‌باشد، می‌تواند عاملی برای همگرایی اقتصادی این سه کشور گردد. همچنین بخش ریلی

می‌تواند کوتاه‌ترین راه ترانزیت بین هند، کشورهای خلیج فارس و کشورهای شمال اروپا گردد.

در زمینه انرژی قفقاز، ایران و روسیه علاقمند به حمل و نقل ذخایر نفت و گاز حوضه دریای خزر از طریق قلمرو خود می‌باشند. غرب و مخصوصاً آمریکا تلاش دارند تا وابستگی انرژی کشورهای اروپایی را از روسیه کاهش داده و به همین خاطر از حمل و نقل نفت و گاز از طریق روسیه و ایران امتناع می‌ورزند و پروژه خط لوله از طریق جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه را پیشنهاد می‌کنند. آنها در اجرای عملی پروژه‌های جدید اورآتلانتیک در " کریدور ماوراء قفقاز " با ناکامی‌های اقتصادی و کمبود زمان مواجه شده‌اند؛ زیرا پس از سرمایه‌گذاری در احداث مواصلات جایگزینی از جمله خط لوله نفت باکو- تفلیس- جیحان و لوله گاز باکو- تفلیس- ارزروم و توسعه پروژه نابوکو و استفاده از قزاقستان و ترکمنستان در این کریدور نتوانستند منابع تضمین شده مواد خام را برای پر کردن این خطوط لوله تامین نمایند.

از طرفی روسیه می‌تواند گاز ایران را از قلمرو خود به بازارهای اروپا عبور دهد. این امر به همگرایی اقتصادی کشورهای منطقه قفقاز مساعدت می‌کند. بدین ترتیب روسیه اولاً، کنترل بر جریان گاز به اروپا را حفظ کرده و ثانیاً، مبالغ قابل ملاحظه‌ای از ترانزیت گاز ایران را دریافت خواهد کرد. ایران نیز می‌تواند گاز خود را به اروپا صادر نموده و برای خرید گاز خود رقابت ایجاد کند.

از طرفی منافع مشترک دو کشور در قفقاز می‌تواند ایران و روسیه را متحد نماید، به همین خاطر در جهت منافع ملی آنها است که به عنوان شریک نزدیک، نه رقیب در این منطقه مهم ژئوپلیتیک با یکدیگر همکاری نمایند.

دهمین سخنران میزگرد **خانم الیزابت موسینا** دانشجوی مؤسسه دولتی روابط بین‌الملل مسکو در خصوص همکاری‌های فنی و نظامی ایران و روسیه اظهار داشت:

همکاری‌های فنی و نظامی ایران و روسیه قدمت طولانی دارد. اولین فنون نظامی در اوایل قرن بیستم به ایران صادر شد و این زمانی بود که نیروهای شوروی در ایران حضور داشتند. پس از جنگ جهانی دوم که شاه سابق ایران تعامل نزدیکی با آمریکا داشت، روابط ایران و شوروی سرد گردید و این سردی تا سال ۱۹۶۰ ادامه داشت. پس از انقلاب اسلامی و آغاز جنگ عراق و ایران اوضاع بسیار تغییر کرد و همکاری‌های فنی و نظامی ایران و شوروی

در این زمان متوقف شد، اما در طول سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ چهار موافقتنامه در زمینه همکاری‌های نظامی (فروش تسلیحات و ارائه خدمات فنی و تاسیس واحدهای نظامی) بین ایران و شوروی منعقد شد.

در سال ۱۹۹۵ یادداشت تفاهم "ویکتور چرنومیردین" نخست وزیر روسیه و "آلگور" معاون رئیس جمهور آمریکا به امضاء رسید که بر اساس آن صادرات تسلیحات و فنون نظامی به ایران متوقف گردید. روسیه بر اساس این یادداشت تفاهم ملزم گردید تا قرارداد جدیدی در زمینه تسلیحات با ایران انعقاد نماید.

در سال ۲۰۰۴ اعتبار این یادداشت تفاهم پایان یافت و همکاری‌های فنی و نظامی میان ایران و روسیه مجدداً از سر گرفته شد. در سال‌های ۱۹۹۰ حجم صادرات تسلیحات به ایران ۳۰۰ الی ۴۰۰ میلیون دلار بود اما این صادرات در سال ۲۰۰۷ به ۷۰۰ میلیون دلار رسید. همکاری‌های فنی و نظامی دو کشور از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ فعال تر شد و تعداد زیادی بالگرد، هواپیما و سیستم ضد هوایی به ایران فروخته شد. تلاش متقابل ایران و روسیه برای تامین امنیت در منطقه باعث فعال شدن همکاری‌های فنی و نظامی دو کشور گردید. همکاری‌های نظامی دو کشور بیشتر در زمینه دفاعی و بهینه سازی تسلیحات قدیمی است. این همکاری‌ها در جهت افزایش موقعیت نظامی ایران نیست. روسیه متخصصین خود را برای تربیت و آمادگی افسران به ایران اعزام می‌نماید. همچنین تعدادی از افسران ایرانی در موسسات علوم نظامی روسیه تحصیل می‌کنند. اولین ماهواره ایران که زهره نام داشت توسط متخصصین روسی ساخته شد.

همچنین روسیه و ایران علاقمند به مبارزه با تجارت مواد مخدر و تسلیحات کشتار جمعی بوده و در این زمینه‌ها همکاری می‌کنند.

خانم ناهیده کلاشی دانشجوی رشته مطالعات روسیه دانشگاه تهران یازدهمین سخنران این میزگرد پیرامون "ترجمه و تاثیر آن بر ادبیات یکدیگر" اظهار داشت: ترجمه قطعاتی از گلستان سعدی در سال ۱۷۹۶ در روسیه حاکی از آن است که قبل از دوران پطرکبیر در این کشور به ادبیات فارسی علاقه نشان می‌دادند. علاقه ایران‌شناسان مشهور قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم روسیه به ادب و فولکلور فارسی به گسترش و نفوذ ادب ایران در روسیه کمک زیادی کرد. از سال‌های ۵۰ قرن بیستم به بعد ایران‌شناسان روس آثار زیادی درباره ادب و هنر، نظم کلاسیک و معاصر فارسی منتشر کردند.

فراگیری زبان فارسی در روسیه در اوایل قرن ۱۸ میلادی آغاز شد. پترکبیر در سال ۱۷۱۶ پنج نفر دانشجو را جهت آموزش زبان فارسی به ایران فرستاد تا به عنوان مترجم در دربار خود خدمت کنند. از سال ۱۷۳۲ تدریس زبان فارسی در وزارت امور خارجه روسیه به طور جدی آغاز گردید. در نیمه دوم قرن ۱۸ میلادی روشنفکران روسیه امکان یافتند با آثار بزرگ ادبیات ایران آشنا شوند و به همین دلیل احتیاج به فرهنگ فارسی به روسی بوجود آمد. خانم کلاشی سپس چگونگی گسترش زبان فارسی در دانشگاه‌های مختلف روسیه و تالیف فرهنگ‌های لغت را توضیح داد و افزود که زبان روسی از زمان فتحعلی شاه تا به امروز، به جز دوران قدرت رضا شاه در ایران کاربرد داشته است. در زمان انقلاب بورژوازی ایران، ابتدا در شمال و بعدها در دیگر شهرهای ایران گروه‌های سوسیال-دموکرات بوجود آمدند و درست در همین زمان داستان‌های تولستوی، ماکسیم گورکی و حکایت‌های اخلاقی کرلیف برای اولین بار به فارسی ترجمه شد. آثار پوشکین اول بار در دوره جنگ جهانی دوم و پس از جنگ به فارسی ترجمه گردید. همچنین برخی از آثار غیر منظوم پوشکین هم چون "دوبروفسکی"، "دختر سروان"، "داستان‌های بلکین"، "پی ک" و نیز برخی از آثار منظوم وی ترجمه گردید. برخی از اشعار و داستان‌های کوتاه وی چندین بار توسط مترجمان متفاوت ترجمه شده و به چاپ رسیده است. همچنین آثار شاعران معروف فارسی از جمله سعدی، حافظ، عمر خیام، فردوسی به روسی ترجمه شده است و نه تنها نویسندگان روسیه و روشنفکران آنها بلکه شهروندان عادی روسیه نیز این آثار را می‌شناسند.

خانم شیرین ابوذر دانشجوی رشته مطالعات روسیه دانشگاه تهران دوازدهمین سخنران میزگرد پیرامون موضوع "ایران و روسیه و رژیم حقوقی دریای خزر" اظهار داشت: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دریای خزر به عنوان یک حوزه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک با حضور پنج کشور در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت بسیاری یافت و تلاش‌هایی از طرف دو کشور صورت گرفت تا یک رژیم حقوقی جامع و کامل بر معادلات منطقه حاکم شود. تشکیل کنسرسیوم بین‌المللی نفتی در سال ۱۹۹۳ در جمهوری آذربایجان و اخراج ایران از این کنسرسیوم، آغاز یک سری از مشکلات در دریای خزر بود. این مشکلات بعدها در قالب اختلافات مرزی آذربایجان-ترکمنستان و ایران-آذربایجان نمود بیشتری پیدا کردند. سوالی که در این رابطه وجود این است که چرا با وجود گذشت دو دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و مطرح شدن دریای خزر به عنوان دریایی مشترک

برای پنج کشور ساحلی هنوز در این منطقه یک رژیم حقوقی جامع و کامل مستقر نشده است؟ و از همه مهم‌تر، چرا دو کشور ایران و روسیه نتوانسته‌اند در مسائل دریای خزر همکاری کنند؟ در واقع عدم همکاری دولت‌های کوچکتر و اعمال نفوذ قدرت‌های خارج از منطقه و نیز اختلافات بین دو کشور به گونه‌ای مانع بوده است.

وی در مورد اقدامات دو کشور در رابطه با مساله رژیم حقوقی دریای خزر با اشاره به قراردادهای ۱۹۲۱، ۱۹۳۱ و ۱۹۴۵ نتیجه گرفت که تنها کشتی‌های ایران و روسیه می‌توانند در دریای خزر شناور باشند. همچنین ایشان نظرات کشورهای کوچکتر حاشیه دریای خزر مبنی بر تقسیم دریا و نگرانی ایران و روسیه از مسائل امنیتی آن را بیان کرد و افزود نتیجه آن را می‌توان به چهار بخش: اجلاس سران، جلسات گروه کاری، فعالیت‌های دوجانبه این کشورها و همچنین فعالیت‌های چند جانبه آنها تقسیم کرد. سپس به آنچه در نشست‌های مختلف سران کشورهای ساحلی دریای خزر مطرح شده بود پرداخت و گفت: سران جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی سابق در نشست تهران اعلام کردند که "از نظر آنها توافقات ایران و شوروی سابق (قراردادهای سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰) به تاریخ پیوسته است!" و در این زمینه باید چارچوب‌های جدیدی تدوین گردد، هر چند بیانیه مشترک آقایان احمدی نژاد و پوتین بر برقراری قراردادهای و توافقات قبلی تا تدوین رژیم جدید حقوقی تاکید داشت.

همچنین ایشان توافق سه جانبه روسیه-آذربایجان-قزاقستان که در آن سه کشور توافق نمودند که بخش‌های شمالی و مرکزی دریای خزر را ما بین خود تقسیم کنند، از مهمترین توافقات این نشست‌ها دانست و افزود: ایران هر گونه توافق مغایر با توافق همه جانبه راجع به دریای خزر را فاقد اعتبار و وجاهت قانونی می‌خواند.

خانم ابودر سپس به بیانیه مشترک روسای جمهور ایران و روسیه در سفر ریاست جمهوری اسلامی ایران به مسکو، مذاکرات نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران در امور دریای خزر با نماینده روسیه بعد از آن بیانیه، مذاکره یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با نماینده روسیه و مذاکرات وزیر امور خارجه روسیه با دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و نتیجه گرفت که مهمترین ملاحظات موجود در دریای خزر، مسائل امنیتی آن است و باید از حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در دریای خزر جلوگیری کرد.

از طرفی به عقیده وی نقطه اصلی چالش در مورد دریای خزر، تعیین سهمیه هر کشور از منابع بستر و زیر بستر دریا است. شاید اصلی‌ترین چالش و دعوا بر سر رژیم حقوقی خزر، ناشی از موضوع منابع نفت و گاز این دریا باشد که باعث به وجود آمدن رقابت‌های اقتصادی در منطقه می‌باشد و موضوع خزر و رژیم حقوقی این دریا را به مخاطره انداخته است ایشان سپس به حقوق دریاها پرداخت و گفت: هیچ یک از جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان کنوانسیون دریاها را تا آگوست ۱۹۹۹ امضا یا تصویب نکرده تنها ایران و روسیه این کنوانسیون را امضا کرده‌اند و با توجه به جایگاه منحصر به فرد این دریا در جهان، راه حل منحصر به فردی نیز لازم است. اما در شرایط فعلی که ایران و روسیه از برقراری رژیم سابق تا زمان تصویب رژیم جدید حمایت می‌کنند، دیگر جمهوری‌های شوروی سابق به رهبری آمریکا، رژیم مذکور را نفی می‌کنند. پس به عنوان راه کار اول باید ایران و روسیه کار گروه‌هایی ویژه جهت رفع بحران‌های موجود میان کشورهایمانند، آذربایجان و ترکمنستان ایجاد کنند و مانع از حضور دولت‌های دیگر به بهانه حل مشکلات در منطقه شوند. در شرایط کنونی، همان گونه که شاهد هستیم به دلیل عدم همکاری دولت‌های کوچکتر که ناشی از نفوذ دولت‌های فرا منطقه‌ای چون آمریکا و اتحادیه اروپا (به دلیل ضعف این کشورها در امور اقتصادی و سیاسی) در این کشورها است، باعث بروز مسائل بسیاری در منطقه شده‌است.

همچنین به عقیده ایشان ایران و روسیه به عنوان وارثان اصلی دریای خزر، و به عنوان قدیمی‌ترین بازیگران این دریا، نسبت به موقعیت خود و دیگر بازیگران دریای خزر، باید موضعی تجدید نظر طلبانه داشته باشند، زیرا برای جلوگیری از حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و همچنین برای ایجاد سامانه‌ای یکپارچه که منافع تمام همسایگان دریای خزر را به دنبال داشته باشد، نیازمند تغییر نگرش خود را نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به دیگر بازیگران منطقه می‌باشند و اگر چه منابع نفت و گاز ایران در خلیج فارس متمرکز است، لیکن منطقه دریای خزر برای ایران از اهمیتی ویژه برخوردار بوده و اساساً این منطقه عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. همچنین تلاش روسیه برای مبدل شدن به یک بازیگر موثر بین‌المللی در عرصه انرژی و نیز روند روبه رشد نقش و مشارکت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در قلمرو تحولات انرژی به خوبی بیانگر این موضوع مهم است که در پیرو همکاری‌های ایران و روسیه، دو کشور می‌توانند در دریای خزر به عنوان کانونی

اقتصادی و سیاسی از حضور و نفوذ دولت‌های فرامنطقه‌ای جلوگیری کرده و قدرت و نقش خود را گسترش دهند. همچنین به دلیل آنکه دریای خزر از لحاظ منابع بستر و زیر بستر بسیار غنی می‌باشد، با ایجاد کنسرسیوم‌های ایرانی- روسی و استفاده مشترک از ریل ایران و روبل روسیه می‌توان تجارت در این منطقه را گسترش داد و ارزش‌های ملی را در میان کشورهای همسایه خزر در جایگاهی هم‌تراز با دلار و یورو قرار داد.

خانم سمیه پسندیده دانشجوی رشته مطالعات روسیه دانشگاه تهران سیزدهمین سخنران میزگرد، پیرامون " همکاری دوجانبه ایران و روسیه در زمینه عملی سازی کریدور بین‌المللی حمل و نقل (شمال- جنوب) " بیان داشت:

یکی از زمینه‌های اصلی همکاری ایران و روسیه، حمل و نقل و ترانزیت کالا است. ایشان سپس به اهمیت ترانزیت کالا در جهان معاصر اشاره کرد و گفت: در میان انواع راه‌های ترانزیتی موجود تنها کریدور شمال- جنوب است که از جامعیت ویژه اقتصادی- سیاسی برخوردار است. وی سپس اهمیت این کریدور را توضیح داد و گفت: موافقتنامه کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال- جنوب در شهریور ماه ۱۳۷۹ (۱۲ سپتامبر ۲۰۰۰) در سنت پترزبورگ به امضای وزرای حمل و نقل سه کشور ایران- روسیه و هند رسید.

سپس وی هفت مزیت برای کریدور شمال- جنوب بر شمرد که عبارتند از:

۱. افزایش سرعت حدود ۴ درصدی تجارت و ترانزیت کالا و صرفه جویی ۳۰ درصدی هزینه‌های آن؛
۲. افزایش حجم ترانزیت کالا بین هند و پاکستان و کشورهای حاشیه اقیانوس هند با کشورهای مرکزی؛
۳. همکاری مناسب بنادر روسیه و قزاقستان و کاهش تنش بین کشورهای حاشیه دریای خزر. از طرفی بندر چابهار و بندرعباس در جنوب و بنادر آستراخان، اولیا و ماخاچ قلعه در دریای خزر از طریق کریدور شمال- جنوب با یکدیگر ارتباط می‌یابند؛
۴. در آمدی بالغ بر یک میلیارد دلار در سال توسط کشورهای مسیر این کریدور؛
۵. کاهش وابستگی تجارت و ترانزیت کشورهای جنوبی آسیا به کانال سوئز؛
۶. ایجاد قطب‌های خارجی جدید تولیدی اقتصادی و تجاری در منطقه؛
۷. تقویت اقتصاد با افزایش خدمات حمل و نقل مثل ریلی، دریایی، هوایی و راه

شوسه.

همچنین وی افزود: موافقتنامه کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب که به امضای بسیاری از کشورها رسیده است، می‌تواند سبب دوستی و پیوند هرچه بیشتر میان کشورها گردد. از طرفی وی اظهار داشت که روسای جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در پایان سفر "ولادیمیر پوتین" به تهران، توافق نمودند در راستای تقویت روابط تجاری و اقتصادی دو کشور، تلاش برای توسعه کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال-جنوب در بخش‌های ریلی، جاده‌ای و دریایی تداوم یابد. همچنین باز گشایی راه زمینی ایران و روسیه از طریق داغستان تسریع شود.

خانم الهه کریمی ریایی دانشجوی رشته مطالعات روسیه دانشگاه تهران آخرین سخنران این میزگرد، پیرامون "روابط فرهنگی ایران و روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی" سخن اظهار داشت:

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سرآغاز فصل جدیدی از روابط فرهنگی ایران و روسیه است. با وجود تلاش‌های صورت گرفته برای گسترش روابط فرهنگی میان ایران و روسیه در دوره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خصوصاً در سال‌های اخیر و تغییر نگرش هر یک از طرفین نسبت به شرایط موجود، این روابط هنوز در سطح قابل قبولی نبوده و موانع سیاسی، تاریخی و ... مانع گسترش آن می‌گردند. ایشان برگزاری هفته‌های فرهنگی روسیه و ایران در دو کشور، گفتگوهای اسلام و مسیحیت ارتودکس، حضور گروه‌های تئاتر روسیه و فیلم‌های روسی در جشنواره بین‌المللی فجر، اختصاص یکی از جوایز آن جشنواره به سینماگر روس ملنیکف، حضور ایران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب و جشنواره‌های فیلم مسکو و قازان، گشایش مراکز ایران‌شناسی و زبان فارسی در مناطق مختلف روسیه، برپایی نمایشگاه اسلام در روسیه در سال ۱۳۸۶ در تهران، تأسیس انجمن فرهنگی روسیه و ایران به عنوان سازمان غیر دولتی توسط ایران‌شناسان روس را از جمله فعالیت‌هایی دانست که بر تحکیم روابط دو کشور در عرصه فرهنگ کمک نموده‌اند.

ایشان همکاری‌های فرهنگی دو کشور را در حوزه‌های زیر قابل بررسی دانست:

۱. نشست‌های علمی و تبادل دانشجو؛
۲. ترجمه کتاب در رشته‌های مختلف؛
۳. توریسم و گردشگری؛
۴. مبادلات فرهنگی در رشته‌های تئاتر، سینما و موسیقی؛

۵. گفتگوی میان ادیان؛
۶. گسترش مراکز آموزش زبان، ایران شناسی و روسیه شناسی.
ایشان سپس برای گسترش روابط فرهنگی دو کشور پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه نمود:
۱. مبادله فیلم‌های سینمایی و تولید برنامه‌های تلویزیونی مشترک؛
۲. برگزاری هفته هنر روسیه در ایران و هفته هنر ایران در روسیه؛
۳. معرفی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی روسیه که امکان تحصیل برای ایرانیان فراهم باشد؛
۴. برگزاری تورهای گردشگری ارزان قیمت برای طبقات متوسط جهت آشنایی با فرهنگ و تمدن یکدیگر و تسهیل در امر صدور ویزا؛
۵. برگزاری کلاس‌های آموزش عمومی و ارزان قیمت زبان روسی و تامین کتاب‌های درسی نوین؛
۶. ترجمه و انتشار آثار نویسندگان و شعرای نوین روسیه به زبان فارسی و نیز ادبیات نوین ایران به زبان روسی و مبادله این نوع آثار؛
۷. برقراری برنامه تبادل استاد و دانشجو؛
۸. برگزاری روزهای ایران و روسیه در مراکز علمی و دانشگاهی؛
۹. تعریف پروژه‌های مشترک بین مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاهی دو کشور.

مجتبی کرمی

دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران - مسکو